

## امامت امام محمد باقر (ع)

امام محمد باقر (ع) در سال ۵۷ هجری قمری در مدینه متولد شد. کنیه آن حضرت ابوجعفر و لقب ایشان باقر العلوم به معنی شکافنده دانش‌ها است. این لقب سالها پیش، از طرف پیامبر (ص) به ایشان داده شده بود. دوران امامت ایشان از سال ۹۴ ه.ق آغاز و قریب ۲۰ سال به طول انجامید. آن حضرت با بهره‌گیری از شرایط پیش آمده نهضت علمی و فرهنگی سامان داد که در ادامه سیاست‌های پدیدر بزرگوارشان امام سجاد (ع) بود و در زمان امام صادق (ع) نیز به اوج خود رسید. ایشان ضمن نشر احادیث نبوی، شاگردان زیادی را در بخش‌های فقهی، تفسیری و اعتقادی تربیت کردند و از راه گفت و گو و مناظره به مبارزه با افکار انحرافی پرداختند. انتظار می‌رود پس از مطالعه درس به این سوالات پاسخ دهید: ۱- شیعه کیست؟ و از چه زمانی پدید آمد؟ ۲- اقدامات امام باقر (ع) برای رشد و توسعه تشیع چه بود؟

## سال‌های آغازین زندگانی حضرت باقر (ع)

چهار سال آغازین عمر امام باقر (ع) در سایه جدش امام حسین (ع) گذشت و با همه کوچکی از فیوضات این گوهر تابناک و دردانه رسول خدا (ص) بهره‌مند گشت، در واقعه کربلا چنانچه مورخین آورده‌اند، امام باقر (ع) در کنار سایر خاندان بنی هاشم حضور داشت، و در آن وقت همراه کاروان اسراء به شام رفت، بی‌تردید امام باقر لحظه به لحظه شاهد وقایع جانگداز کربلا بوده است.

امام باقر (ع) همچنین مدّت ۳۹ سال در سایه پدر بزرگوار خود امام سجاد (ع) به سر برد و از حیات پدر، فیوضات ربّانی را دریافت می‌کرد

## اوضاع فکری و فرهنگی عصر امام باقر(ع)

در پایان قرن اول هجری شرایط فکری و فرهنگی جامعه اسلامی بسیار نابسامان بود. شرایط آن دوره را می توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

۱- گسترش فتوحات و آشنایی مسلمانان با آراء سایر ملت ها و ایجاد ابهامات و شبهات در مسائل اعتقادی

۲- عدم توجه حاکمان به تربیت دینی و فعالیت های علمی و فرهنگی جامعه به علت سرگرم شدن به کشور گشایی و منازعات سیاسی.

۳- حضور پراکنده سایر ادیان در میان مسلمانان و شکل گیری منازعات فکری.

۴- ظهور اختلافات فقهی بر اثر عدم دسترسی فقهای متاخر به سنت نبوی در اثر ممنوعیت طولانی روایت و کتابت حدیث.

۵- ارائه ناقص و تحریف شده تعالیم اسلامی به مردم و بی خبری آنان از اصول و عقاید اسلامی.

۶- کشته شدن صحابه و تابعان معتقد به امامت علی (ع) و سایر ائمه به دست خلفای بنی امیه و در نتیجه فراهم شدن بستر مناسب برای جاعلان حدیث و غالیان.

امام باقر (ع) در چنین شرایطی عهده دار امر امامت شدند. اما از طرف دیگر به علت فروکش کردن تنش های سیاسی بسیاری از علما و دانشمندان از صحنه سیاست فاصله گرفته و به مباحث فقهی و علمی روی آوردند؛ این رویکرد گسترده به مسائل فقهی که با آزاد شدن ضبط و تدوین احادیث به اوج خود رسید، موجب پیدایش مکاتب و مشرب های مختلف گردید.

امام باقر (ع) و توسعه تشیع

الف: شیعه در لغت به معنای پیرو و یار است. در اصطلاح به کسی گفته می شود که امام علی(ع) را جانشین بلا فصل پیامبر(ص) از سوی خداوند می داند. در ابتدا شیعه در معنای لغوی آن به کار می رفت و تنها با آمدن نامی در پی آن، مانند «شیعه علی»، «شیعه عثمان» نماینگر پیروان شخص خاص بود. اما با گذشت زمان این عنوان به کسانی که جانشینی حضرت علی (ع) را از طرف خدا می دانستند، اختصاص یافت. سوالی که مطرح می شود این است که تشیع به عنوان یک گروه و مذهب متمایز از دیگر گروه ها و مذاهب، از چه زمانی پدید آمد؟ در پاسخ باید گفت: هر چند دیدگاه های نادرستی در این باره مطرح شده است<sup>۱</sup>، اما شواهد روایی و تاریخی به خوبی دلالت دارد که پیشینه تشیع به زمان رسول خدا (ص) باز می گردد. رسول خدا در مناسبت های گوناگون، ضمن به کار بردن واژه «شیعه» درباره پیروان امیرمومنان علی آنان را رستگاران حقیقی معرفی می کرد<sup>۲</sup>. از این رو، تعدادی از اصحاب رسول خدا (ص) تلاش کردند جزء شیعیان امام علی به شمار آیند که برجسته ترین آنان، سلمان، ابوذر، مقداد و عمار بودند. پس از رحلت رسول خدا و در پی رخداد های سیاسی و دینی، رفته رفته، شیعیان آن حضرت رو به فزونی نهادند. در دوران حکومت امویان به رغم سخت گیری و ستم فراوان آنان، تشیع از رشد روزافزون برخوردار شد و به عنوان یکی از جریان های فکری و سیاسی جدی جامعه مطرح بوده و نقش آفرینی می کردند؛ که این امر ناشی از تلاش های امامان معاصر این دوره \_ به ویژه امام باقر و امام صادق \_ بود.

۱- اینان تلاش کردند پیدایش تشیع را به حوادثی همچون سقیفه یا خلافت حضرت علی یا جنگ جمل یا جنگ صفین یا حادثه کربلا مربوط بدانند. برخی از آنان نیز کسانی چون عبدالله بن سبأ یا گرایش های نژادی و اعتقادی ایرانیان و یا ظهور دولت صفوی را در پیدایش تشیع دخیل دانسته اند.

۲- در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، از رسول خدا(ص) نقل شده که پس از نزول آیه «ان الذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه»(بینه ۷) آن حضرت ضمن اشاره به امیر مومنان علی فرمود: «ای علی، تو و شیعیانت خیر البریه(بهترین مردمان) هستید»؛ بنگرید به طبری، جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۷۱ و تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۲-۵۸۶.

ب: امام باقر(ع) گنجینه ای از احادیث پیامبر(ص)، امام علی (ع) و امامان پیش از خود را به شاگردانش عرضه کرد. شاگردان امام باقر(ع) هزاران حدیث از ایشان نقل کرده اند.

این امر بعدها از سوی عالمان شیعی در سده های دوم و سوم مینای جمع آوری و نگارش حدیث قرار گرفت.

ج: در حوزه علمی امام باقر (ع) افراد زیادی حضور پیدا کرده و از علم و دانش امام بهره می گرفتند.. در کتاب رجال طوسی، ۴۶۷ نفر به عنوان صحابی امام باقر(ع) ثبت شده است. البته این تعداد از اصحاب نزدیک ایشان بودند؛ وگرنه شمار راویان حدیث از امام باقر(ع) بیش از این بوده است. در میان این اصحاب چند نفر، سرآمدفقا و مرجع معاصران خود شدند. تبحر آنان در شناخت مذهب به گونه ای بود که نظر آنان در مورد صحیح یا نادرست بودن حدیث یا فتوایی مورد پذیرش واقع می شد<sup>۳</sup>. جایگاه علمی و فتوایی آنان از طرف امام صادق نیز مورد تایید قرار گرفت. این افراد عبارت بودند از: زراره بن اعین، بُرید بن معاویه، محمد بن مسلم، ابوبصیر اسدی، معروف بن خربوذ مکی و فضیل بن یسار<sup>۴</sup>.

د: امام با تشکیل حوزه علمی خود در شهر مدینه به بیان حدیث، فقه، تفسیر و سیره نبوی از دیگاه مکتب تشیع پرداخت. در این دوران شیعیان در جلسات علمی حضرت اجتماع کرده و مباحث علمی را از ایشان فرا می گرفتند. امام در سخنان خود دسترسی به علوم اصیل اسلامی را فقط از راه اهل بیت ممکن می دانست. نمونه های فراوانی وجود دارد که امام مردم را به بهره گیری از اهل بیت دعوت می کردند. ایشان به یکی از یاران خود می فرماید: « به شرق و غرب عالم بروید جز علم ما علم صحیح نمی یابید<sup>۵</sup>».

<sup>۳</sup> بهبودی، محمد باقر، مقاله طلوع و غروب اصحاب اجماع، مجله کاوشی نو در فقه، تابستان ۱۳۷۴.

<sup>۴</sup> کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)، ج ۳، ص ۲۴۲.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹.

ه: موضع گیری امام در مقابل علمایی که برای دستیابی به منافع مادی و دنیوی ، در جهت حفظ حکومت ظالمانه اموی به تحریف دین و کتمان حقایق می پرداختند: حضرت در ضمن نامه ای از این دسته از علما شکایت فراوان می کند و می فرماید: «نظایر احبار و رهبان را ببین ، احباری که کتاب خدا را از مردم کتمان کرده و با تمام این احوال ، سودی از کارشان نکرده و راه به جایی نبردند. اکنون مانند آنها در این امت اند، کسانی که الفاظ قرآن را حفظ کرده و حدود آن را تحریف می کنند. آنها با اشراف و بزرگان هستند. زمانی که رهبران هواپرست متفرق شوند ، آنه با کسانی هستند که دنیای بیشتری دارند فهم آنها در همین حد است.»<sup>۶</sup>

و: پس از رحلت پیامبر (ص) برخی از یهودیان تازه مسلمان شده همچون کعب الاحبار فرصت یافتند تا معارف اسلامی را طبق کتاب مقدس خود تبیین نمایند به عنوان مثال در برخی از این احادیث افعال و رفتاری به پیامبران الهی نسبت داده شده است که به هیچ وجه در شان آنان نیست. امام باقر (ع) بخشی از فعالیت علمی و فرهنگی خود را به پیراستن فرهنگ اسلامی از این گونه خرافات اخصاص دادند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

با توجه به مطالب درس گذشته عملکرد امام سجاد(ع) چگونه زمینه ساز نهضت علمی فرزندشان امام باقر (ع) گردید؟

---

<sup>۶</sup> جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه ، ص ۲۹۳.

## جریان‌های فکری دوران امام باقر (علیه‌السلام)

پیامبر اسلام (ص) در طول دوران رسالت خود، قرآن و اهل بیت را به‌عنوان دو میراث گران‌بها به مسلمانان معرفی کرد. ایشان همواره به مسلمانان تأکید می‌کرد که برای حفظ جامعه اسلامی و حرکت در مسیر خیر و صلاح از این دو محور نباید غافل شوند. لکن پس از رحلت پیامبر (ص)، کسانی مسیر حرکت اسلامی را از خط اهل بیت جدا کردند و اولین انحراف را پدید آوردند. از آن به بعد، روز به روز بر دامنه انحرافات و تنوع گروه‌های فکری افزوده شد. بدین ترتیب جریان‌های فکری منحرف به تدریج در جامعه اسلامی شکل گرفت و در دوران امام باقر (ع) با برقراری آرامش نسبی فعالیت آنان شدت گرفت.

### طرفداران عثمان (عثمانی)

هواخواهان عثمان بن عفان و کسانی بودند که اعتقاد داشتند عثمان مظلومانه به قتل رسید. این عنوان در ابتدا رنگ و بوی مذهبی نداشت و صرفاً گویای تمایل شخصی نسبت به عثمان بوده است. بعدها این نام رنگ و بوی مذهبی و دینی به خود گرفته به عنوان فرقه‌ای در مقابل شیعه، خوارج و معتزله مطرح شد. اساس اعتقاد طرفداران عثمان برتری و فضیلت عثمان بر امام علی (ع) است.

### خوارج

گروهی از مسلمانان بودند که در جنگ صفین پس از آنکه امام علی (ع) را وادار به پذیرش حکمیت کردند، به نتیجه آن اعتراض کرده، راه خود را از سایر مسلمانان جدا نمودند و به خوارج معروف شدند. خوارج پس از شهادت امام علی (ع) همچنان به‌عنوان یک گروه معترض در جامعه اسلامی باقی ماندند. آن‌ها به واسطه روحیه انعطاف‌ناپذیر و خشن و نیز ساختار فکری خاص خود، افزون بر دشمنی با اهل بیت، از حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز ناخشنود بودند. خوارج شورش‌های خشونت‌آمیز متعددی را در

#### یک توضیح

امام باقر (ع) مناظرات و گفت‌وگوهای زیادی با خوارج جهت اثبات حقانیت امام علی داشتند که به یک نمونه اشاره می‌کنیم:

روزی یکی از بزرگان خوارج ادعا کرد اگر کسی ظالم نبودن علی را اثبات کند، به سوی او خواهیم شتافت. اصحاب وی را به سوی امام راهنمایی کردند. حضرت در نزد اصحاب و تعدادی از خوارج از فضایل امام علی سؤال کردند. حاضران هر

## مرجئه

یکی دیگر از جریان‌های فکری و عقیدتی زمان امام باقر(ع) جریان فکری مرجئه است. این گروه بر این باور بودند که اقرار به شهادتین برای هر مسلمان کافی است و دیگر نیازی به التزام عملی نسبت به دستورات اسلامی نیست. از دیگر عقاید مرجئه سکوت و عدم قضاوت نسبت به کفر و ایمان افراد و یا حق و ناحق بودن آنها بود. این‌گونه مباحث پس از کشته شدن عثمان و وقایع دوران امام علی(ع) در میان مردم شایع شد. لذا مرجئه قائل بود که داوری میان آنان را باید به خدا واگذار نمود تا در روز قیامت داوری کند. بنی‌امیه که افکار مرجئه را به سود خود می‌دید تلاش زیادی در جهت تقویت تفکر آنان انجام داد.

یک توضیح

یکی از مسائلی که حکومت بنی امیه از آن استفاده ی سیاسی می کرد، مسأله ی «ایمان» بود. کسانی که به دنبال مسلط ساختن حکومت بنی امیه بر مردم بودند، عقاید مرجئه در این زمینه را ترویج می کردند. از نظر گاه مرجئه، عمل ربطی به ایمان ندارد و ایمان امری ثابت و غیر قابل تغییر است و گناه هیچ آسیبی به آن نمی رساند. ترویج این عقیده، پذیرش حکومت ظالمانه ی امویان را که به ظواهر اسلام هم پایبند نبودند برای مردم تسهیل می کرد.

امام باقر(ع) در جهت تصحیح عقاید و بیان اعتقادات صحیح به مقابله با این انحراف پرداخته اند. به این نمونه توجه کنید:

شخصی در مورد تمایز میان اسلام و ایمان از ایشان پرسید: «آیا کسی که به اسلام داخل شده، به ایمان نیز داخل شده است؟» امام(ع) فرمود: «خیر» و سپس این مثال را مطرح کرد:

«آیا اگر مردی را در مسجد الحرام ببینی شهادت می دهی که او را در کعبه هم دیده ای؟» وی پاسخ داد: «خیر». امام(ع) پرسید: «حال آیا اگر فردی را در کعبه ببینی، یقین نداری که او را در مسجد الحرام دیده ای؟» او پاسخ داد: «بلی یقین دارم». امام(ع) فرمود: «نسبت میان اسلام و ایمان نیز اینچنین است.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷-۲۶)

## جبریه و قدریه

یکی از مسائلی که همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده است، موضوع آزادی مطلق در کارها و یا جبر و عدم اختیار انسان است. جبریه کسانی بودند که می گفتند انسان آزادی و اختیار برای انجام کارهایش ندارد و تمام اعمال او به طور مستقیم از جانب خداوند است. در مقابل عده ای نیز به آزادی کامل انسان اعتقاد داشتند. بنی امیه تفکر جبریه را در جهت منافع خود می دید، آنان خلافت و حکومت خود را به عنوان سرنوشت مقدر از جانب خداوند بیان می کردند و بدین وسیله زمینه هرگونه اعتراض و قیام مردم از بین می رفت.

یک توضیح

خلفای بنی امیه برای توجیه کارهای خود به ساختن و پرداختن و ترویج عقایدی دست زده بودند که از مسأله ی قضا و قدر از آن جمله است. استدلال آنها این بود که چون خدا از پیش همه چیز را تعیین کرده است، آنان را از ارتکاب گناه گریزی نیست. بنابراین حکومت آنها نیز از جانب خدا بوده و هرگونه اعتراض به آن، نافرمانی امر خداوند است. برای نمونه به این بیت که ترجمه شعری عربیست توجه کنید:

خداوند تاج خلافت را بر سر تو(خلیفه ی وقت) نهاده و آنچه قضای الهی باشد، در آن تغییری پدید نخواهد آمد. (دیوان جریر، ص ۳۶۰)

امام باقر(ع) از جایگاه امامت و به عنوان کسی که وظیفه ی شرح و بیان و تصحیح عقاید و احکام دینی را بر عهده دارد با استدلال عقلی به تصحیح دیدگاهی که توسط بنی امیه ترویج می شد پرداختند و فرمودند:

«خداوند مهربان تر از آن است که آفریدگان خویش را مجبور به گناه کرده و سپس آنان را عقوبت کند.» (الکافی، ج ۱، ص ۱۵۹)

یکی از دشواری‌های امام باقر(ع) و جامعه شیعه، جریان غلو<sup>۷</sup> بود. این جریان، هم‌زمان با فشار خلفای اموی رو به فزونی گذاشته بود. غالیان با سوءاستفاده از روایات اهل‌بیت(ع) و نسبت دادن احادیث جعلی به آنان می‌کوشیدند از اعتبار و حیثیت امامان برخوردار شوند. آن‌ها با کشاندن شیعیان ساده‌لوح به دنبال خود، در پی تحقق اهدافشان بودند.

امام با شدت با غالیان برخورد می‌کردند. آن‌ها را به طور رسمی از نزد خود طرد کرده، یا در نزد اصحاب از افراد غالی تبری جسته و آنها را لعن می‌کردند. برخی از این افراد امام را به عنوان مهدی موعود معرفی می‌نمودند. اما حضرت در رد سخن آنها می‌فرمود: «گمان می‌کنند که من مهدی موعود م ولی من به پایان عمر خویش نزدیک ترم تا به آنچه اینان مدعی هستند و مردم را به آن فرا می‌خوانند».

### امام باقر (علیه‌السلام) و خلفای اموی

امامت امام باقر(ع) با پنجم خلیفه اموی هم‌زمان بود که از جمله می‌توان به عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ هـ) و هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ هـ) اشاره کرد. در میان خلفای هم‌عصر با امام باقر(ع) عملکرد عمر بن عبدالعزیز کاملاً متفاوت بود. اگرچه وی نیز همچون سایر خلفای بنی‌امیه با وجود حضور امام باقر(ع)، خلافت را غصب کرده بود؛ اما پس از به قدرت رسیدن اقدامات اصلاحی مهمی انجام داد. از جمله؛ لغو قانون لعن و ناسزاگویی به امام علی(ع) در منابر و خطبه‌های نماز جمعه، بازگرداندن فدک به اهل‌بیت، حمایت از علویان و کاهش فشار و آزار آنان. عمر بن عبدالعزیز در جهت کاهش محدودیت‌ها و فشارها بر شیعیان، به والی خود در مدینه دستور داد تا به

---

<sup>۷</sup>. غلو در لغت به معنی گذشتن از حد و خارج شدن از حد اعتدال است. در اصطلاح عبارت است از بالا بردن فرد یا افرادی از مقام مخلوقیت و بنده بودن و قائل شدن به مشارکت آنها با خدا در الوهیت، معبودیت و رازقیت. یا اعتقاد به چیزی که ملازم با یکی از این موارد است مثل: حلول روح خدادر این افراد، قائل به عروج و عدم مرگ آنها.

امور شیعیان رسیدگی نماید. همچنین با لغو ممنوعیت نقل حدیث، به راه اندازی نهضت علمی، جمع و تدوین حدیث کمک شایانی کرد.

نه سال پایانی دوران امامت امام باقر(ع) هم‌زمان با خلافت هشام بن عبدالملک بود. هشام مردی خشن، سنگدل، مالدوست و بخیل بود.<sup>۲</sup> وی همچون اجداد خود از هیچ‌گونه سختگیری و ایجاد محدودیت برای امام و شیعیان کوتاهی نکرد. در زمان حکومت هشام شرایط برای امام باقر(ع) بسیار سخت و حساس بود. یک‌بار هشام امام را به دمشق احضار کرد و ایشان را مورد نکوهش و سرزنش قرارداد. پس از آن دستور داد تا امام را به زندان انداختند. حضرت در زندان با رفتارش توجه بسیاری را به خود جلب کرد. این موضوع به اطلاع هشام رسید و او از ترس فراگیر شدن محبوبیت امام، دستور بازگشت ایشان را به مدینه صادر کرد.

### مواضع سیاسی:

دوران امامت امام باقر(ع) جز در مدت کوتاه حکومت عمر بن عبدالعزیز با فشارهای سیاسی و اختناق شدید همراه بود. حاکمان اموی از بیم قیام و اعتراض شیعیان، به شدت امام باقر(ع) و یارانشان را زیر نظر داشتند. از این رو امام از سیاست تقیه و مبارزه پنهان بهره گرفت. بدین وسیله ضمن ارائه الگویی از هدایت و رهبری جامعه بر پایه موازین اسلامی، حکومت ظاهری بنی‌امیه را نیز نپذیرفت. ایشان یاران خود را به عدم همکاری با خلافت و مبارزه منفی توصیه می‌کرد. امام باقر(ع) در هر فرصت مناسب - همچون زمانی که هشام بن عبدالملک ایشان و امام صادق(ع) را به قصر خود در دمشق فراخوانده بود- با صراحت و آشکارا به بیان معارف اسلامی و جایگاه به‌حق اهل بیت پرداخت. البته امام هیچ‌گاه به قیام مسلحانه و درگیری نظامی اقدام نکرد؛ هرچند از سوی شماری از مخالفین حکومت، مورد اعتراض قرار گرفت.

امام محمد باقر(ع) پس از گذشت ۵۷ سال از عمر مبارکش، به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار پدرش (امام سجاد) و عمویش (امام حسن) دفن شد. شهادت آن حضرت در عصر خلافت هشام بن عبدالملک و به امر وی اتفاق افتاد.

## فعالیت

در برخی منابع آمده است که در زمان عبد الملک بن مروان سکه های رایج میان مردم توسط امپراتوری روم ضرب می شد. نقش و نگار آن سکه ها نیز به دلیل مسیحی بودن حکمرانان روم «پدر، پسر و روح القدس» بود. گویا مسیحیان فرهنگ و قدرتشان را از این طریق و همچنین با طراحی چنین نقوشی بر روی لبا سها و ظروف رواج می دادند. عبد الملک که از این امر ناراضی شده بود با صدور نامه ای به مناطق تحت حکومت مانع از این امر شد و برخی نقش های دیگر و آیات قرآن کریم را با آن طرحها جایگزین کرد. پادشاه روم بسیار از این امر بر آشفت و در نامه ای عبد الملک را ابتدا به حضرت مسیح (ع) سوگند داد که همان سکه های رومی را رواج دهد. در انتها هم وی را تهدید کرد که اگر نپذیری بر روی سکه ها نا سزایی به پیامبران خواهیم نوشت. به علاوه این که سکه های ما در میان مردم شما رواج دارد و تو هرگز نخواهی توانست که مانع از کار من گردی.

عبد الملک سخت تر سیده و هرچه تلاش کرد نتوانست راه حلی بیابد. برخی از مشاورانش به او تذکر دادند که تو خود می دانی چه کسی می تواند گره این مشکل را بگشاید. او نیز دستور داد تا به دنبال امام باقر (ع) بروند. امام با آن که دل خوشی از حکومت نداشت و حتی آنان را به رسمیت نمی شناخت جهت آنچه در سیره سایر امامان «حفظ کیان جامعه اسلامی» معرفی شده بود پذیرفت و راه حلی را به او ارائه کرد مبنی بر این که:

«به عاملان دستور بده تا سکه هایی را که یک روی آنها سوره توحید و روی دیگر نام رسول الله است نقش زنند و به صورت گسترده در سرزمینهای اسلامی منتشر و توزیع کنند و بگذار تا مدتی تعاملات تجاری و داد و ستد مردم با آنها انجام پذیرد. بدین ترتیب است که از سکه های آنان بی نیاز می شوی و حاکم روم نیز نمی تواند کاری از پیش برد.» او نیز ناچار بود که به این پیشنهاد عمل نماید. پس چنین کرد و پادشاه روم که بسیار مستأصل شده بود اینچنین گفت:

«اینک که تمام مسلمانان در معاملات خود از سکه های رومی استفاده نمی کنند نمی توانم به تهدید خود جامه

ی عمل بپوشانم.»<sup>۸</sup>

متن فوق را با دقت بخوانید و سپس اقدام امام باقر(ع) را در راهنمایی حکومت اموی تحلیل کنید.

---

۸. بیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن و المساوی، ج ۲

## پرسش‌های نمونه

۱- اقدامات عمر بن عبدالعزیز را بنویسید.

۲- جریان‌های فکری دوران امام باقر(ع) را بررسی کنید

۳- فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام باقر(ع) را توضیح دهید.